



A Comparative Study of the Concept of “Divine Light” (Nour-e Rabb) in Verse 69 of Surah Az-Zumar and its Implications for Inclusive Justice in the Era of the Appearance of Imam Mahdi (PBUH)

Dr. Reza Mollazadeh Yamchi¹

Dr. Isa Alizadeh²

Abstract

This research comparatively examines the concept of “Nour-e Rabb” (Divine Light) in verse 69 of Surah Az-Zumar and its implications for inclusive justice in the era of the appearance of Imam Mahdi (PBUH). This verse depicts the scenes of the Day of Judgment and divine judgment, but the traditions of Ahl al-Bayt (AS) have also linked it to the era of Imam Mahdi’s (PBUH) appearance. The main issue of the research is how to explain “Nour-e Rabb” in the two contexts of the Judgment Day and the appearance, and its implications for the realization of the Mahdavi inclusive justice. With a descriptive-analytical approach and qualitative content analysis based on interpretations and traditions, the semantic dimensions of “Nour-e Rabb,” including the true light/divine creature, divine justice, and divine manifestation and revelation of truths, have been explored. The traditions of Ahl al-Bayt (AS) also interpret “Nour-e Rabb” as the light of Imam Mahdi (PBUH) and self-sufficiency from the light of the sun and moon in the era of appearance. The findings indicate that the conceptual link of “Nour-e Rabb” between the Judgment Day and the appearance is centered on “Divine Justice.” On the Day of Judgment, this light is a manifestation of God’s absolute justice in accounting and revealing truths. In the era of appearance, “Nour-e Rabb” is practically manifested in the realization of inclusive justice by Imam Zaman (PBUH), purifying the earth from oppression and injustice. This research, through comparative analysis, illuminates the hidden dimensions of “Nour-e Rabb” in fulfilling God’s promise of global justice and contributes to a deeper understanding of the connection between Quranic and Mahdavi concepts.

Keywords: Nour-e Rabb, Surah Az-Zumar, Era of Appearance, Imam Mahdi (PBUH), Inclusive Justice, Judgment Day

1. Postdoctoral Researcher in Qur’an and Hadith Studies, Researcher at Astan Quds Razavi Research Foundation, Faculty of Theology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (Corresponding Author) (reza.mollazadehyamchi@alumni.um.ac.ir)

2. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Farhangian University, Tehran, Iran (i_ealizadeh1989@cfu.ac.ir)

بررسی تطبیقی مفهوم «نور رب» در آیه ۶۹ زمر و دلالت های آن بر

عدالت فراگیر در عصر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

رضا ملازاده یامچی^۱

عیسی علیزاده منامن^۲

چکیده

این پژوهش به بررسی تطبیقی مفهوم «نور رب» در آیه ۶۹ سوره زمر و دلالت های آن بر عدالت فراگیر در عصر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می پردازد. این آیه صحنه های قیامت و داوری الهی را به تصویر می کشد، اما روایات اهل بیت علیهم السلام آن را به عصر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مرتبط دانسته اند. مسئله اصلی تحقیق، چگونگی تبیین «نور رب» در دو بستر قیامت و ظهور و دلالت های آن بر تحقق عدالت فراگیر مهدوی است. با رویکرد توصیفی - تحلیلی و تحلیل محتوای کیفی براساس تفاسیر و روایات، ابعاد معنایی «نور رب» شامل نور حقیقی/مخلوق الهی، عدل الهی، و تجلی الهی و انکشاف حقایق واکاوی شده است. روایات اهل بیت علیهم السلام نیز «نور رب» را به نور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بی نیازی از نور خورشید و ماه در عصر ظهور تأویل می کنند. یافته ها نشان می دهد که پیوند مفهومی «نور رب» بین قیامت و ظهور، در محوریت «عدل الهی» قرار دارد. در قیامت، این نور جلوه ای از عدل مطلق الهی در حسابرسی و آشکار شدن حقایق است. در عصر ظهور، «نور رب» به صورت عملی در تحقق عدالت فراگیر توسط امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تجلی می یابد و زمین را از ظلم و ستم پاک می سازد. این پژوهش با تحلیل تطبیقی، ابعاد پنهان «نور رب» را در تحقق وعده الهی برای عدالت جهانی روشن ساخته و به درک عمیق تر از پیوند مباحث قرآنی و مهدوی کمک می کند.

واژگان کلیدی

نور رب، سوره زمر، عصر ظهور، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، عدالت فراگیر، قیامت.

۱. پسا دکتری، علوم قرآن و حدیث، پژوهشگر بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) (reza.mollazadehyamchi@alumni.um.ac.ir).

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (i_ealizadeh1989@cfu.ac.ir).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۲

مقدمه

آیه ۶۹ سوره زمر، با عبارت «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا...»، تصویری باشکوه از یک واقعه تحول‌آفرین را ترسیم می‌کند که در کانون آن، اشراق و نورانی شدن زمین قرار دارد. در حالی که تفاسیر، سیاق آیه را ناظر به صحنه قیامت و استقرار عدالت در روز داوری می‌دانند، روایات معتبری از اهل بیت علیهم‌السلام افق معنایی جدیدی بر این آیه گشوده و آن را بر عصر ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیز تطبیق داده‌اند. این دوگانگی در بستر تفسیری، مسئله اصلی این پژوهش را صورت‌بندی می‌کند: مفهوم «نور رب» چگونه می‌تواند در دو افق وجودی متفاوت (قیامت و ظهور) تبیین شود و این پیوند مفهومی، چه دلالت‌های عمیقی بر نظریه «عدالت فراگیر» در دولت مهدوی دارد؟

این پژوهش با رویکردی تحلیلی - تطبیقی و با تکیه بر منابع تفسیری و روایی، به دنبال واکاوی این پیوند است تا نشان دهد چگونه «عدالت الهی» به مثابه حلقه وصل این دو افق عمل می‌کند. در واقع، این مقاله استدلال خواهد کرد که «اشراق زمین به نور رب»، چه در ساحت قضاوت نهایی و چه در گستره حکومت جهانی مهدوی، تجلی یک وعده قطعی الهی برای تحقق کامل حق و قسط است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت این تحقیق از چند منظر قابل بررسی است. نخست این‌که، تفسیر آیه ۶۹ زمر در منابع شیعی به ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، جایگاه ویژه‌ای به این آیه در مباحث مهدویت می‌بخشد. تبیین دقیق این ارتباط، می‌تواند به غنای ادبیات پژوهشی در حوزه مهدویت و ارائه تصویری منسجم‌تر از ویژگی‌های عصر ظهور کمک کند. دوم آن‌که، مفهوم «عدالت فراگیر» یکی از ارکان اصلی آموزه‌های مهدوی است که در روایات ذیل این آیه به صراحت به آن اشاره شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱، ص. ۷۱؛ ج ۵۲، ص. ۳۲۱؛ ج ۵۲، ص. ۳۳۰). بررسی چگونگی تجلی «نور رب» در برقراری این عدالت، می‌تواند به درک عمیق‌تری از ابعاد نظری و عملی عدالت در نگاه شیعی منجر شود. همچنین، این پژوهش با رویکرد تحلیلی - تطبیقی، به پر کردن خلأهای موجود در مطالعات قرآنی می‌پردازد، جایی که تفاسیر عامه عمدتاً بر یک جنبه (قیامت) متمرکز بوده‌اند، در حالی که روایات اهل بیت علیهم‌السلام افق جدیدی از تأویل و تطبیق را گشوده‌اند. بنابراین، تبیین این وجوه، نه تنها برای قرآن‌پژوهان بلکه برای پژوهشگران حوزه

کلام و اعتقادات نیز حائز اهمیت است و می‌تواند به غنای مباحث نظری و تقویت بُعد کاربردی اعتقاد به مهدویت یاری رساند.

پرسش‌های بنیادین تحقیق: این پژوهش در پی پاسخگویی به پرسش‌های بنیادین زیر است:

ابعاد معنایی «نور ربّ» در آیه ۶۹ زمر در دیدگاه مفسران و روایات کدامند و چگونه قابل دسته‌بندی هستند؟

روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام چگونه مفهوم «نور ربّ» را به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و برقراری عدالت فراگیر در آن عصر مرتبط می‌سازند؟

نقاط اشتراک و افتراق مفهوم «نور ربّ» بین واقعه قیامت و عصر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کدامند و این وجوه چه دلالت‌های خاصی بر تحقق عدالت مهدوی دارند؟

تبارشناسی مفهومی «نور ربّ» در آیه ۶۹ زمر

آیه ۶۹ سوره زمر با عبارت «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» تصویری از روشنایی زمین در یک رویداد بزرگ ارائه می‌دهد. مفسران در تبیین این «نور ربّ» دیدگاه‌های گوناگونی اتخاذ کرده‌اند که در سه محور اصلی قابل دسته‌بندی است: نور حقیقی و مخلوق الهی، عدل الهی به عنوان نوری استعاری، و تجلی الهی و انکشاف حقایق. در ادامه، هر یک از این رویکردها به تفصیل واکاوی می‌شود.

«نور ربّ» به مثابه نور حقیقی/مخلوق الهی: تبیین ابعاد مادی و ماورائی

برخی از مفسران، «نور ربّ» را به معنای نوری حقیقی و مخلوق الهی در روز قیامت دانسته‌اند که زمین محشر را روشن می‌سازد و موجب بی‌نیازی از نور خورشید و ماه می‌شود. این دیدگاه به ابعاد مادی و ماورائی این نور می‌پردازد:

نور مخلوق الهی: بسیاری از مفسران معتقدند که «نور ربّ» نوری است که خداوند در روز قیامت خلق می‌کند تا زمین محشر را روشن سازد (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۲۵۶). این نور، جایگزین نور خورشید و ماه می‌شود، به طوری که مردم از آنها بی‌نیاز می‌گردند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۳۲۶). قتاده می‌گوید در آن روز مردم در نور خداوند مانند دیدن خورشید در روز صاف و بدون دود، در آن نور اذیت نمی‌شوند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۴، ص ۲۲) برخی نیز اشاره کرده‌اند که این زمین، زمینی دیگر خواهد بود، نه زمین فعلی، که از نقره بوده و بدون

خورشید و ماه روشن می‌شود (حَمُوش، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰، ص. ۶۳۸۵). این نور، آنقدر دنیا را منور می‌کند که شب و روزش یکی می‌شود (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۹، ص. ۳۶۲). سهل بن عبدالله تستری نیز معتقد است که در روز قیامت، قلب‌های مؤمنان با توحید پروردگارشان و اقتدا به سنت پیامبرشان، روشن می‌شوند (تستری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص. ۱۳۵).

تجلی الهی برای داوری نهایی: گروهی دیگر از مفسران، این نور را نه یک نور مخلوق، بلکه تجلی مستقیم خداوند برای داوری نهایی (فصل القضاء) می‌دانند. در این دیدگاه، با حضور خداوند برای حسابرسی، زمین با نور او روشن می‌شود و انوار ظاهری مانند خورشید و ماه، موضوعیت خود را از دست می‌دهند (سعدی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص. ۸۷۸). مفسرانی چون طبری، فخر رازی، و وهبه زحیلی تصریح می‌کنند که این اشراق، همان تجلی حق برای قضاوت عادلانه میان بندگان است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۴، ص. ۲۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص. ۴۷۷-۴۷۸). این نور که برخی آن را «نور قدرت» الهی نیز نامیده‌اند (ماوردی، بی‌تا، ج ۵، ۱۳۶)، زمانی آشکار می‌شود که خداوند اراده حساب و مجازات بندگان را دارد (زجاج، بی‌تا، ج ۴، ص. ۳۶۲).

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان «رَبِّ الْأَرْضِ»: در روایات ائمه اطهار علیهم السلام، تأویل خاصی برای «نور رَبِّ» آمده است. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» فرمودند: «رَبِّ الْأَرْضِ» یعنی امام زمین. ایشان در ادامه فرمودند: «آن‌گاه مردم از تابش خورشید و نور ماه بی‌نیاز می‌شوند و به نور امام راه می‌پویند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص. ۳۲۶). همچنین در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است که وقتی قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، زمین با نور خداوند روشن می‌گردد و مردم از نور خورشید بی‌نیاز می‌شوند و تاریکی از بین می‌رود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص. ۳۳۰). این روایات، ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نور ایشان را یکی از مصادیق یا تأویلات آیه شریفه می‌دانند که نشان‌دهنده تحقق عدالت فراگیر و بی‌نیازی مردم از نورهای ظاهری است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۵، ص. ۱۵۷). امام رضا علیه السلام نیز فرمودند که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف چهارمین فرزند ایشان خواهد بود و هنگامی که از غیبت ظهور کند، زمین به نور الهی روشن می‌شود و بساط عدل و داد را در میان مردم می‌گستراند و هیچ‌کس به دیگری ستم نمی‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص. ۳۲۱). این روایات، «نور رَبِّ» را به نور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر می‌کنند که به دلیل جایگاه الهی و عدل فراگیر ایشان، زمین را روشن می‌سازد (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۱، ص. ۵۳۲).

«نور ربّ» به مثابه عدل الهی: استعاره‌ای از تجلی قسط و حق

گروهی دیگر از مفسران، «نور ربّ» را استعاره‌ای از عدل الهی می‌دانند. در این دیدگاه، عدل به دلیل روشنایی و زیبایی که به زمین می‌بخشد، به نور تشبیه شده است، در مقابل ظلم که به ظلمت تشبیه می‌شود:

عدل به عنوان نور و زیبایی: ابن عباس، حسن بصری و سدی معتقدند که «نور ربّ» به معنای «عدل ربّ» است (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص. ۱۹۴). عدل، همچون نور، زمین را زیبا می‌سازد و حقوق را آشکار می‌کند (ابوالسعود، ۱۹۸۳م، ج ۷، ص. ۲۶۳). زمخشری نیز بر این باور است که خداوند عزوجل نور را در مواضعی از قرآن به حق، قرآن و برهان استعاره داده است و «نور ربّ» در این جا نیز به معنای «حق و عدل» است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص. ۱۴۵). وی می‌افزاید که مردم به پادشاه عادل می‌گویند: «آفاق با عدل تو روشن شد و دنیا با قسط تو نورانی گشت»، همان‌گونه که می‌گویند: «شهرها با ستم فلان کس تاریک شد» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص. ۱۴۵). ابن عزّی نیز به همین معنا اشاره می‌کند که زمین نفس با نور پروردگارش روشن می‌شود و به عدالت که سایه خورشید وحدت است، متصف می‌گردد (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص. ۲۰۶) ابوالسعود نیز استعاره نور برای عدل را به دلیل زینت بخشیدن به مکان‌ها و آشکار کردن حقوق می‌داند (ابوالسعود، ۱۹۸۳م، ج ۷، ص. ۲۶۳). طبرسی نیز بیان می‌کند که نور زمین به عدل آن است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص. ۷۹۲).

«الظلم ظلمات یوم القيامة» به عنوان شاهد: حدیث نبوی «الظلم ظلمات یوم القيامة» به عنوان شاهی بر این استعاره مورد استفاده قرار می‌گیرد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص. ۱۴۵). این حدیث نشان می‌دهد همان‌گونه که ظلم، تاریکی و تیرگی می‌آفریند، عدل نیز نور و روشنایی به ارمغان می‌آورد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، صص. ۴۷۷-۴۷۸). بغوی نیز بیان می‌کند که عدل، نور زمین است، همان‌گونه که علم، نور دین است (بغوی، بی‌تا، ج ۵، ص. ۴۹). طباطبایی نیز این استعاره را صحیح می‌داند، هرچند که در دلالت آن بر معنای عدل در این آیه تردید می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷، ص. ۲۹۴).

نفی ظلم و برپایی حق: این دیدگاه با پایان آیه «وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (و میان آنها به حق داوری می‌شود و به آنان ستم نخواهد شد) نیز سازگاری دارد. زیرا برپایی عدل و نفی ظلم، از جمله اهداف اصلی روز قیامت است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، صص. ۴۷۷-۴۷۸). زجاج نیز «أشرقّت الأرض» را به معنای روشن شدن زمین هنگامی که خداوند اراده

حساب و مجازات بندگان را دارد، می‌داند (زجاج، بی‌تا ج ۴، ص. ۳۶۲). امام علی علیه السلام نیز یکی از وجوه «قضاء» را در این آیه، «حکم» معنا کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص. ۱۲۴).

«نور ربّ» به مثابه تجلی الهی و انکشاف حقایق: ظهور اعمال و سرائر

دیدگاه سوم، «نور ربّ» را به معنای آشکار شدن حقایق، تجسم اعمال و تجلی مستقیم خداوند در روز قیامت می‌داند. در این دیدگاه، نور به معنای رفع حجاب‌ها و آشکار شدن سرائر است:

انکشاف غطاء و ظهور حقایق: علامه طباطبایی رحمته الله علیه معتقد است که «نور ربّ» به معنای انکشاف غطاء (برداشته شدن حجاب) و ظهور اشیاء با حقایق‌شان در روز قیامت است، به طوری که اعمال نیک و بد، طاعت و معصیت، حق و باطل برای ناظران آشکار می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷، ص. ۲۹۴). ایشان این امر را خاصه روز قیامت می‌داند و به آیاتی مانند «لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» (ق: ۲۲) استناد می‌کند که بر تیزبین شدن انسان و دیدن حقایق در آن روز دلالت دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷، ص. ۲۹۴).

تجلی مستقیم خداوند: برخی مفسران، «نور ربّ» را به تجلی خود خداوند تبارک و تعالی بر زمین محشر برای حساب و جزا تفسیر می‌کنند (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۹، ص. ۳۶۲). محمدحسین فضل الله بیان می‌کند که خداوند با نور خود بر زمین می‌تابد تا کلمه، کلمه او باشد و همگان در سرزمین محشر احساس کنند که امر و سلطه تنها در دست اوست (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۹، ص. ۳۶۲). وهبه زحیلی نیز این نور را تجلی حق جل و علا برای خلّاق جهت فصل قضاء می‌داند (زحیلی، ۱۴۱۱ق، ج ۲۴، ص. ۵۴). این دیدگاه، نور را به عنوان وسیله‌ای برای ابصار و درک حقایق در آن روز می‌بیند (حقّی برسوی، بی‌تا، ج ۸، ص. ۱۴۰). قشیری نیز به نوری اشاره می‌کند که در قیامت خلق می‌شود و زمین با آن روشن می‌گردد (قشیری، ۲۰۰۰م، ج ۳، ص. ۲۹۲).

ظهور مطلق نور: این دیدگاه با مفاهیمی چون «تبدل الأرض» و «ظهور مطلق نور» در قیامت پیوند دارد (خطیب، ۱۴۲۴ق، ج ۱۲، ص. ۱۱۹۴). زمخشری نیز این قرائت را از «شرق بالضوء تشرق» به معنای پر شدن زمین از نور می‌داند و «أشرقها الله» را همانند «ملا الأرض عدلاً» (زمین

را پر از عدل کرد) می‌داند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص. ۱۴۵). عبدالکریم الخطیب نیز این اشراق را تجلی خداوند متعال در روز قیامت می‌داند که مردم برای حساب و جزا بر پروردگار خود عرضه می‌شوند (خطیب، ۱۴۲۴ق، ج ۱۲، ص. ۱۱۹۴). محمد جواد مغنیه نیز منظور از زمین را زمین محشر می‌داند که با نور الهی روشن است، زیرا از هرگونه گمراهی و فساد پاک و مطهر است و چیزی جز حق و عدل در آن نیست (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۶، ص. ۴۳۲). سیدقطب نیز به نور ربّ به عنوان تنها نور موجود در آن مقام اشاره می‌کند (قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۵، ص. ۳۰۶۲).

تحلیل تطبیقی «نور ربّ»: از تجلی عدل در قیامت تا تحقق آن در عصر ظهور

این بخش به بررسی پیوند مفهومی «نور ربّ» در دو افق قیامت و ظهور می‌پردازد. گرچه ظاهر آیه ناظر به روز جزا و داوری نهایی است، روایات اهل بیت علیهم‌السلام افق معنایی جدیدی گشوده و آن را بر دولت کریمه مهدوی نیز تطبیق داده‌اند. محور پیوند این دو ساحت، «عدل الهی» است که هم در قضاوت عادلانه قیامت و هم در حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تجلی می‌یابد.

بازخوانی «نور ربّ» در افق ظهور: تأویل روایی آیه

گرچه ظاهر آیه ۶۹ زمر به وقایع روز قیامت اشاره دارد، اما روایات اهل بیت علیهم‌السلام با رویکردی تأویلی، این آیه را مصداق بارزی از تحولات عصر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز دانسته‌اند. این روایات، «نور ربّ» را از یک مفهوم صرفاً اخروی به یک واقعیت عینی در دولت مهدوی پیوند می‌زنند.

محوری‌ترین روایت در این باب، حدیثی از امام صادق علیه‌السلام است که در پاسخ به مفضل بن عمر، مقصود از «رَبُّ الْأَرْضِ» را «إِمَامُ الْأَرْضِ» معرفی می‌کنند (قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص. ۲۵۳). ایشان در ادامه تبیین می‌کنند که با ظهور امام، تحولی بنیادین در عالم رخ می‌دهد: آن‌گاه مردم از تابش خورشید و نور ماه بی‌نیاز می‌شوند و به نور امام، ره می‌نورند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص. ۳۲۶).

این روایت، نور را از امری صرفاً فیزیکی به نور هدایت و وجود امام معصوم علیه‌السلام ارتقا می‌دهد.

این مضمون در سایر روایات نیز مورد تأکید قرار گرفته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی،

ضمن معرفی جانشینان دوازده گانه خود، درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند که در دولت او «روی زمین از نور خداوند روشن می گردد و سلطنت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر شرق و غرب عالم تسلط پیدا می کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱، ص ۷۱). امام رضا علیه السلام نیز به صراحت، اشراق زمین به نور الهی را مقارن با ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و برپایی «بساط عدل و داد» می دانند، به گونه ای که «هیچ کس به دیگری ستم نمی کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۲۱). بنابراین، در نگاه روایی، «نور رب» در عصر ظهور، صرفاً یک پدیده کیهانی نیست، بلکه تجلی حاکمیت الهی از طریق امام معصوم است که پیامد مستقیم آن، استقرار عدالت مطلق و رفع کامل ظلمت - اعم از ظلمت جهل و ظلمت ستم - است.

تبیین یک تحول بنیادین: بی نیازی از انوار ظاهری

یکی از شگفت انگیزترین و عمیق ترین مفاهیم مطرح شده در روایات ذیل آیه، «بی نیازی مردم از نور خورشید و ماه» در عصر ظهور است. این ادعا که در نگاه اول ممکن است صرفاً یک تحول فیزیکی به نظر برسد، نیازمند واکاوی دقیق تری است تا «دلیل محکم» نهفته در آن آشکار شود.

هسته اصلی این مفهوم در دو روایت کلیدی از امام صادق علیه السلام بیان شده است. در یک روایت، ایشان می فرمایند:

آن گاه مردم از تابش خورشید و نور ماه بی نیاز می شوند و به نور امام، ره می نوردند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۳۲۶)

در روایتی دیگر نیز تأکید می کنند:

وقتی قائم ما قیام کند... مردم از نور خورشید بی نیاز گردند و ظلمت از بین می رود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۳۰).

این «بی نیازی» را می توان در دو سطح تحلیل کرد:

۱. **تحول در نظام تکوین:** در نگاه اول، این روایات از یک دگرگونی واقعی در عالم هستی خبر می دهند. به این معنا که با حاکمیت امام معصوم علیه السلام به عنوان مظهر کامل «نور رب»، نظام نوری جهان تغییر کرده و نور وجودی و هدایتی امام، جایگزین انوار مادی و ظاهری می شود. این امر نشانگر اوج سلطه انسان کامل بر نظام تکوین و تحقق وعده تسخیر عالم برای خلیفه الهی است.

۲. تحول در نظام معرفت و هدایت (تأویل عمیق‌تر): در تحلیلی عمیق‌تر، این مفهوم دارای ابعاد استعاره‌ای و کنایه‌ای است. در این نگاه، «خورشید و ماه» نمادی از منابع معرفتی و هدایتی محدود و بشری هستند؛ مانند علوم تجربی، فلسفه‌های انسانی و نظام‌های حقوقی غیرالهی که همواره با خطا و محدودیت همراهند. در مقابل، «نور امام» نماد علم مطلق، هدایت بی‌خطا و عدالت محض است که مستقیماً از منبع وحی سرچشمه می‌گیرد. بنابراین، «بی‌نیازی از نور خورشید و ماه» به این معناست که در عصر ظهور، با دسترسی مستقیم جامعه به سرچشمه زلال علم و عدالت امام، دیگر نیازی به تکیه بر منابع معرفتی و مدیریتی ناقص و محدود بشری نخواهد بود. نور هدایت امام، تمام زوایای تاریک جهل، شبهه و بی‌عدالتی را روشن کرده و بشر را به غنای کامل معرفتی و معنوی می‌رساند.

در هر دو تحلیل، این مفهوم یک نکته محوری را اثبات می‌کند: تحول در عصر ظهور، یک اصلاح جزئی نیست، بلکه یک انقلاب بنیادین در نظام هستی و معرفت است. «نور امام» به عنوان تجلی «نور ربّ»، نه یک نور در کنار سایر انوار، بلکه نوری است که تمام منابع نوری دیگر را تحت‌الشعاع خود قرار داده و به تنهایی برای راهبری و روشنایی عالم کفایت می‌کند. این خود، محکم‌ترین دلیل بر جامعیت و اطلاق حاکمیت الهی در آن دوران است.

شایان ذکر است که در بررسی سندی این روایات، توجه به قدمت منابع حائز اهمیت است. چنان‌که برخی از علمای متقدم همچون شیخ طوسی در تفسیر *التبیان*، در ذیل آیه ۶۹ زمر به این روایت خاص اشاره نکرده و بیشتر بر تفسیر «نور» به «عدل» تکیه کرده‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۴۷). با این حال، وجود این روایت با عبارت صریح «بی‌نیازی از نور خورشید و ماه» در یکی از کهن‌ترین منابع تفسیری شیعه، یعنی *تفسیر القمی* اثر علی بن ابراهیم قمی (متوفی حدود ۳۵۷ ق)، اصالت و قدمت آن را در میان قدما به اثبات می‌رساند (قمی، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۲۵۳). بنابراین، این مفهوم ریشه در متون اصلی و اولیه امامیه داشته و صرفاً یک نقل از سوی علمای متأخر نیست.

«عدالت» به مثابه گوهر مشترک: تحلیل تفسیری استعاره نور

در کنار تأویل روایی، جریان قدرتمندی در میان مفسران قرآن کریم، «نور ربّ» را نه یک نور حسی، بلکه استعاره‌ای عمیق از «عدل الهی» دانسته‌اند. این دیدگاه، اشراق زمین را به معنای برپایی کامل قسط و حق می‌داند. از نخستین مفسران، حسن بصری و سدی معتقد بودند که

معنای آیه، روشن شدن زمین به «عدل پروردگار» است (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۴۷). این تفسیر، «نور» را کلیدواژه‌ای برای ظهور حقیقت و رفع ستم تلقی می‌کند.

زمخشری در *الکشاف*، این استعاره را به شکلی نظام‌مند تبیین می‌کند. او معتقد است همان‌طور که خداوند در قرآن، «نور» را برای حق و برهان به کار برده، در این آیه نیز «اشراق زمین» به معنای اقامه حق و عدل و برپایی دقیق موازین حساب و سنجش اعمال است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۴۵). وی برای اثبات این مدعا به دو شاهد استناد می‌کند: یکی عرف زبانی مردم که به حاکم عادل می‌گویند: «آفاق با عدل تو روشن شد» و دیگری حدیث نبوی «الظلم ظلمات یوم القیامة» که به قرینه تقابل، دلالت بر نورانیت عدالت دارد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۴۷۷-۴۷۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۴۹).

این تحلیل با ساختار خود آیه نیز کاملاً سازگار است؛ چرا که آیه با اثبات «اشراق» (که به عدل تفسیر شد) آغاز شده و با نفی «ظلم» در عبارت «وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» پایان می‌یابد. این تقارن، نشان می‌دهد که روح حاکم بر آیه، تحقق کامل عدالت است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۴۷۸).

در نگاهی عرفانی، ابن عربی نیز این پیوند را تأیید کرده و «اشراق» را متصف شدن «زمین نفس» به عدالت می‌داند که آن را «سایه خورشید وحدت» می‌نامد و تصریح می‌کند که تمام زمین در زمان مهدی علیه السلام با نور عدل و حق روشن می‌گردد (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۰۶).

بنابراین، سنت تفسیری به روشنی نشان می‌دهد که «نور رب» حامل معنای «عدل فراگیر» است. این عدالت در قیامت، در قالب حسابرسی دقیق و در عصر ظهور، در قالب حاکمیت مطلق حق تجلی می‌یابد و همین گوهر مشترک «عدالت» است که این دو افق را به یکدیگر پیوند می‌دهد.

ابعاد متمایز «نور رب» در دو افق: تقابل یا تکامل؟

همان‌طور که نشان داده شد، «عدالت» گوهر مشترک پیونددهنده دو افق قیامت و ظهور است. با این حال، کارکرد و جلوه این عدالت در هر یک از این دو ساحت، ابعاد متمایزی دارد که درک آن برای فهم عمق این پیوند ضروری است. در واقع، عدالت در قیامت، ماهیتی «کشفی و قضایی» دارد، در حالی که در عصر ظهور، دارای کارکردی «ایجاد و اجرایی» است.

در ساحت قیامت، «نور ربّ» بستری برای داوری نهایی و فصل خصومت است. هدف اصلی، حسابرسی دقیق اعمال و آشکارسازی حقایق پنهان است. علامه طباطبایی این نور را به معنای «انکشاف غطاء» می‌داند که در پرتو آن، تمام اعمال خیر و شر برای همگان نمایان می‌شود و هیچ حقیقتی پوشیده نمی‌ماند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷، ص. ۲۹۴) در این افق، عدالت امری منفعل و نتیجه‌محور است؛ یعنی براساس آنچه در دنیا رخ داده، قضاوت نهایی و بدون ظلم صورت می‌پذیرد.

اما در افق ظهور، «نور ربّ» که در وجود امام تجلی می‌یابد، ماهیتی فعال و سازنده دارد. این‌جا عدالت صرفاً یک معیار برای قضاوت گذشته نیست، بلکه یک برنامه جامع برای ساختن آینده است. روایات به صراحت از «پر کردن زمین از عدل و داد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱، ص. ۷۱) «نهادن ترازوی عدالت در میان مردم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص. ۳۲۱) و «پاک کردن زمین از هر ستم و جوری» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص. ۳۲۱) سخن می‌گویند. این نور، یک سیستم حکمرانی الهی را مستقر می‌کند که در آن، ظلم از اساس ریشه‌کن می‌شود و عدالت در تمام شئون زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جریان می‌یابد.

بنابراین، این دو جلوه از عدالت در تقابل با یکدیگر نیستند، بلکه در یک رابطه تکاملی قرار دارند. عصر ظهور، تحقق عالی‌ترین الگوی عدالت اجرایی در جهان مادی است؛ پاسخی است به این پرسش که یک جامعه کاملاً الهی چگونه در عمل کار می‌کند. در مقابل، قیامت، جلوه نهایی عدالت قضایی در جهان باقی است؛ پاسخی است به این پرسش که سرنوشت نهایی هر فرد در برابر اعمالش چیست. از این منظر، دولت مهدوی، پیش‌درآمد و نمونه‌اعلای زمینی از آن عدل مطلق است که در قیامت به صورت کامل و نهایی تجلی خواهد کرد.

نقش «شهدا» در تحقق عدالت: سازوکار اجرایی نور

برای تضمین تحقق عدالتی که از «نور ربّ» ساطع می‌شود، آیه به یک سازوکار اجرایی و نظارتی دقیق اشاره می‌کند: «وُضِعَ الْكِتَابُ وَ جِيءَ بِالتَّيِّبِينَ وَ الشُّهَدَاءِ». پرسش کلیدی در این‌جا، هویت «شهدا» (گواهان) است. روایات اهل بیت علیهم‌السلام به صراحت این گواهان را ائمه اطهار علیهم‌السلام معرفی می‌کنند که نقش محوری در فرایند اجرای عدالت دارند.

علی بن ابراهیم قمی، مفسر برجسته شیعه، به طور مستقیم «شهداء» در این آیه را همان ائمه علیهم‌السلام می‌داند و برای اثبات آن، به آیه ۷۸ سوره حج استناد می‌کند که در آن، ائمه به عنوان

گواهان بر مردم معرفی شده‌اند (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص. ۲۵۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۳، ص. ۳۴۱).

این جایگاه رفیع، در کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز تبیین شده است. ایشان می‌فرمایند که خداوند در قرآن، ما (اهل بیت) را «شهداء بر مردم» و «حجت خود در زمین» قرار داده و رسول الله صلی الله علیه و آله را گواه بر ما می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۵، ص. ۳۸۹) این شهادت، برخاسته از مقام عصمت و طهارتی است که خداوند به ایشان عطا فرموده و آنان را همراه جدایی‌ناپذیر قرآن ساخته است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۳، ص. ۳۴۳).

کارکرد این شهادت، گواهی بر ابلاغ کامل دین و هدایت الهی است. در روایتی از امام علی علیه السلام، صحنه قیامت چنین توصیف می‌شود که «شهداء که همان امامان هستند حاضر می‌شوند و هریک بر اهالی دنیای خود گواهی می‌دهند که در میان آنان فرمان خداوند را برپا داشته و به راه خدا دعوتشان کرده‌اند» (کلینی، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص. ۱۰۴).

با این تحلیل، نقش «شهدا» در دو افق قیامت و ظهور روشن‌تر می‌شود. در قیامت، آنان گواهان قضایی برای داوری نهایی هستند. اما در عصر ظهور، این نقش از قوه به فعل درمی‌آید و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان شاهد حاضر و حاکم، خود مجری و ضامن آن عدالت فراگیر است. او تجسم عینی شهادت بر حق است و حضور او، تضمین الهی برای پیاده‌سازی بی نقص عدالتی است که از «نور رب» سرچشمه می‌گیرد.

تحلیل تطبیقی و استنتاج دلالت‌های «نور رب» بر عدالت مهدوی

پیوند مفهومی «نور رب» بین قیامت و ظهور: عدل به عنوان محور پیوستگی

مفهوم «نور رب» در آیه ۶۹ سوره زمر، در هر دو بستر قیامت و ظهور، با محوریت عدل الهی پیوندی عمیق برقرار می‌سازد. این پیوند، تجلی عدل مطلق خداوند را در دو زمانه متفاوت به تصویر می‌کشد: یکی در گستره وسیع حشر و حسابرسی نهایی، و دیگری در قامت برپایی حکومتی عادلانه و جهان‌شمول بر روی زمین.

تفسیر «نور رب» در قیامت: تجلی عدل و حسابرسی

این معنا در تفاسیر کهن نیز بازتاب یافته است. چنان‌که حسن بصری و سدی (اسماعیل بن عبدالرحمن) از مفسران نامدار تابعی، روشنایی زمین در قیامت را به واسطه‌ی عدل پروردگار دانسته‌اند و معتقدند «نور زمین به عدل است، همان‌گونه که نور علم به عمل

می باشد). (طبرسی، بی تا، ج ۸، ص. ۷۹۲؛ طبرانی، ۲۰۰۸ م، ج ۵، ص. ۳۸۶؛ ماوردی، بی تا، ج ۵، ص. ۱۳۶؛ طوسی، بی تا، ج ۹، ص. ۴۷). زمخشری نیز بر این باور است که خداوند نور را به حق و قرآن و برهان استعاره کرده و در این آیه نیز معنای آن، عدل و قسط الهی است که در حسابرسی و وزن اعمال نیک و بد تجلی می یابد و زمین را با نشر عدل و برپایی میزان‌های قسط خود مزین می کند (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص. ۱۴۵). او می افزاید که همان طور که مردم به پادشاه عادل می گویند: «آفاق با عدل تو روشن شد» و «دنیا به قسط تو درخشید»، می توان گفت «نور ربّ» به معنای عدل است، چرا که ظلم، خود «ظلمات یوم القیامه» است و مقابله آن با عدل، نورانیت آن را اثبات می کند (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص. ۱۴۵؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۵، ص. ۴۹؛ کاشانی، ۱۴۲۳ ق، ج ۶، ص. ۱۰۴؛ فیضی، ۱۴۱۷ ق، ج ۵، ص. ۳۲؛ بروسوی، بی تا، ج ۸، ص. ۱۴۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۲، ص. ۲۸۴).

برخی دیگر نیز «نور ربّ» را نوری می دانند که خداوند در قیامت خلق می کند و زمین با آن روشن می شود، بی آن که نیاز به خورشید و ماه باشد (طبرسی، بی تا، ج ۸، ص. ۷۹۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ ق، ج ۸، ص. ۲۵۶؛ ماوردی، بی تا، ج ۵، ص. ۱۳۶؛ بقاعی، ۱۴۲۷ ق، ج ۶، ص. ۴۷۵؛ ابوالسعود، ۱۹۸۳ م، ج ۷، ص. ۲۶۳). ابن نور می تواند نور قدرتی الهی باشد که زمین را روشن می کند (ماوردی، بی تا، ج ۵، ص. ۱۳۶). ابن عربی نیز به تجلی ذات حق در آن روز اشاره دارد که زمین با آن منور می شود (ابن عربی، ۱۴۲۲ ق، ج ۲، ص. ۲۰۶). طباطبایی اما معتقد است که «نور ربّ» اشاره به خاصیت روز قیامت دارد که پرده‌ها برداشته می شود و اشیاء با حقایق خود آشکار می گردند و اعمال خیر و شر برای همگان نمایان می شود. این روشنایی از جانب خداوند است، زیرا در آن روز تمامی اسباب ساقط می شوند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۷، ص. ۲۹۴). او این برداشت را با آیاتی چون «لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» (ق: ۲۲) و «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ» (آل عمران: ۳۰) تأیید می کند.

احادیث نیز بر این تجلی عدل در قیامت تأکید دارند. پیامبر اکرم ﷺ در تفسیر «أبجد» و «قرشت» می فرمایند که در روز قیامت مردم محشور و منتشر می شوند و میان آنها به حق داوری می شود و به آنان ستمی نخواهد شد (برازش، ۱۳۹۴، ج ۱۳، ص. ۳۱۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص. ۳۱۷). امام علی ع نیز در توصیف روز قیامت و حضور خلائق برای حسابرسی، به روشن شدن زمین به نور پروردگارش و برپایی کتاب اعمال و حضور پیامبران و گواهان اشاره می کنند که

میان آنها به حق داوری می شود و به کسی ستم نمی گردد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۶۵). همچنین از ایشان نقل شده که قضا (حکم) در قرآن بر چهار وجه است که یکی از آنها «قضاء حکم» است و آیه «وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ» به همین معناست (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۱۲۴). در روایت دیگری از امام علی (ع) به نقل از امام سجاد (ع) و امام حسین (ع)، روز قیامت و مراحل حسابرسی با جزئیات توصیف شده است. در این روایت، خداوند خود به داوری می نشیند و هیچ ستمی روا نمی دارد و حق ناتوان را از توانمند می گیرد و مظلومه را از ستمگر با قصاص از حسنات و سیئات می ستاند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۰۴). شهداء در این آیه، به فرموده امام علی (ع)، ائمه معصومین (ع) هستند که گواه بر مردم و حجت خدا در زمین اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۵، ص ۳۸۹؛ علی بن ابراهیم، بی تا، ج ۲، ص ۲۵۳).

«نور ربّ» و عصر ظهور: تجلی عدل فراگیر مهدوی

همان طور که علامه طباطبایی و برخی دیگر اشاره کرده اند، اگرچه آیه ۶۹ زمر به طور خاص به قیامت اشاره دارد، اما روایات اهل بیت (ع) آن را بر عصر ظهور امام مهدی (عج) نیز تطبیق داده اند. این تطبیق نه به معنای انحصار، بلکه به عنوان مصداقی بارز و نمونه ای از تجلی «نور ربّ» در این دنیا، پیش از قیامت کبری، مطرح می شود.

امام صادق (ع) در تفسیر «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» می فرمایند: «رَبّ الارض امام الارض»؛ سپس در ادامه پاسخ به این سؤال که وقتی امام خارج شود چه می شود می فرمایند: «آنگاه مردم از تابش خورشید و نورماه بی نیاز می شوند و به نور امام راه می پویند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۳۲۶؛ قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۲۵۳؛ نیز ر. ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۳۰). این روایت نشان دهنده تغییر بنیادین در شرایط جهان پس از ظهور است که با نورانیت خاصی همراه خواهد بود. در روایت دیگری از امام صادق (ع) آمده است: «وقتی قائم مایام کند، زمین به نور خداوند روشن می گردد و مردم از نور خورشید بی نیاز می شوند و ظلمت از بین می رود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۳۰؛ نیز ر. ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۳۷). این تعبیر «ذهاب الظلمة» (برطرف شدن ظلمت) می تواند هم به معنای فیزیکی و هم به معنای رفع ظلم و جور و جهل باشد.

پیامبر اکرم (ص) نیز در حدیثی طولانی، پس از ذکر جانشینان و اوصیای خود که دوازده نفرند، به حضرت مهدی (عج) اشاره می کنند و می فرمایند که خداوند به وسیله او دنیا را پر از

عدل و داد می‌کند، پس از آن‌که از ظلم و ستم پر شده باشد. ایشان در ادامه می‌فرمایند که زمین به نور پروردگارش روشن می‌گردد و سلطنت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر شرق و غرب عالم تسلط پیدا می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱، ص ۷۱). این حدیث به وضوح پیوند بین ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تجلی عدل و نورانیت الهی در زمین را بیان می‌دارد.

امام رضا علیه السلام نیز در پاسخ به سوالی درباره قائم اهل بیت علیهم السلام، می‌فرماید که ایشان چهارمین فرزند ایشان خواهد بود که خداوند به وسیله او زمین را از هر ظلم و جنایتی پاک می‌کند و هنگامی که ظهور می‌کند، «زمین به نور الهی روشن می‌شود و بساط عدل و داد را در میان مردم می‌افکند و هیچ‌کس به دیگری ستم نمی‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۲۱). این روایات به روشنی نشان می‌دهند که نورانیت زمین در عصر ظهور، تجلی‌گاه عدالت فراگیر و نفی کامل ظلم است.

عدل به عنوان محور پیوستگی

از مجموع تفاسیر و روایات، می‌توان نتیجه گرفت که عدل، محور اصلی پیوستگی مفهومی «نور ربّ» بین قیامت و ظهور است. در قیامت، «نور ربّ» به معنای نور عدل الهی است که با حسابرسی دقیق و جزای عادلانه، حقایق را آشکار می‌کند و به هیچ‌کس ستم نمی‌شود. این تجلی عدل، همراه با برچیده شدن پرده‌ها و نمایان شدن اعمال، به نوعی روشنگری و آشکارگی منجر می‌شود.

در عصر ظهور، این عدل الهی در قالب حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر روی زمین تجلی می‌یابد. زمین از ظلم و جور پر شده، و با ظهور ایشان، به نور عدل و قسط روشن می‌شود. این نورانیت، هم می‌تواند به معنای یک نور فیزیکی باشد که جایگزین نور خورشید و ماه می‌شود، و هم می‌تواند به معنای غلبه کامل حق و عدل بر باطل و ظلم باشد، به طوری که جهل و ستم ریشه‌کن می‌شود و حقایق آشکار می‌گردد. همان‌گونه که در قیامت، هدف نهایی، استقرار کامل عدل و عدم ظلم است، در عصر ظهور نیز، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همین هدف را محقق می‌سازند و دنیا را پر از عدل و داد می‌کنند. بنابراین، «نور ربّ» در هر دو زمان، نمادی از عدل مطلق الهی است که به اشکال گوناگون، از جمله حسابرسی دقیق و برپایی حکومت عادلانه، تجلی می‌یابد.

ابعاد متمایز «نور رب» در عصر ظهور: تبیین عملی عدالت در جهان

در خصوص مفهوم «نور رب»، علاوه بر دیدگاه‌هایی که آن را به نور امام یا نور الهی (حسی یا تجلی) مرتبط می‌دانند، بسیاری از مفسران این نور را نمادی از «عدل الهی» تفسیر کرده‌اند. این دیدگاه، «نور رب» را به معنای برقراری عدالت فراگیر و مطلق در سطح جهان می‌داند.

عدل فراگیر: حسن بصری و سدی معتقدند که «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» یعنی زمین به عدل پروردگارش روشن می‌شود (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص. ۴۷). زمخشری نیز این نور را استعاره‌ای از حق و عدل می‌داند که خداوند در زمین برپا می‌کند و قسط را در حساب و وزن اعمال (نیک و بد) گسترش می‌دهد. این امر نشان‌دهنده آن است که در عصر ظهور، دیگر ظلم و ستمی وجود نخواهد داشت و حق به معنای واقعی کلمه برقرار خواهد شد (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۶، ص. ۴۳۲). الطبرانی و بیضاوی نیز با استناد به حدیث پیامبر ﷺ که «الظلم ظلمات یوم القيامة» (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۵، ص. ۳۸۶)، استدلال می‌کنند که اگر ظلم تاریکی است، پس عدل نور است (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۵، ص. ۳۸۶). این بدان معناست که در عصر ظهور، زمین مملو از عدل و داد خواهد شد، همان‌گونه که قبلاً مملو از ظلم و جور بود (سبحانی تبریزی، ۱۳۹۵ش، ج ۲۴، ص. ۱۶۱). این نور، همان نور هدایت الهی است که توسط قائم عَلَيْهِ السَّلَام حمل می‌شود و تاریکی‌های ظلم و ستم را از بین می‌برد (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۵، ص. ۳۸۶).

تمایز از جنبه جزایی قیامت: در روز قیامت، «قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» یعنی میان انسان‌ها با حق داوری می‌شود و به کسی ستم نخواهد شد (زمر: ۶۹). این جنبه عمدتاً به حسابرسی و مجازات برمی‌گردد؛ چنان‌که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در تفسیر حروف ابجد می‌فرمایند که در روز قیامت مردم محشور می‌شوند «قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص. ۳۱۷). اما در عصر ظهور، این عدالت به صورت عملی و فراگیر در زندگی روزمره مردم پیاده می‌شود. به عبارت دیگر، عدالت نه تنها در داوری‌ها و حسابرسی‌ها، بلکه در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز جریان می‌یابد. امام علی عَلَيْهِ السَّلَام نیز در توضیح مفهوم «قضاء حکم» در آیه، آن را به «حکم شدن» تعبیر می‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص. ۱۲۴). این بدین معناست که اجرای عدالت به صورت حکم و قضا در جهان ظهور، خود بخشی از تجلی نور الهی است (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۹، ص. ۳۶۲). علامه طباطبایی نیز بیان می‌کند که این اشراق، همان آشکار شدن حقایق و ظهور اعمال (خیر یا شر) برای بینندگان است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷، ص. ۲۹۴). این نور مطلق، هیچ

تاریکی‌ای با خود ندارد و سرائر و خفایا نیز آشکار می‌شوند (صادق تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۵، ص ۳۸۶).

به طور خلاصه، «نور ربّ» در عصر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به معنای تحقق عینی و گسترده عدالت الهی در تمام ابعاد جهان است که فراتر از صرف حسابرسی اخروی، شامل بی‌نیازی معنوی و احتمالاً فیزیکی از منابع نوری کنونی و استقرار نظام عدل فراگیر می‌شود.

«نور ربّ» در آیه ۶۹ زمر: تجلی وعده قطعی الهی و پاسخ به مسئله ظلم

آیه شریفه «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (زمر: ۶۹) به عنوان یکی از مهم‌ترین وعده‌های الهی برای برپایی حکومت عدل جهانی مورد توجه قرار گرفته است. مفسران و روایات، این «نورانیت» را پاسخی نهایی به مسئله ظلم و تحقق قسط مطلق در تاریخ بشر می‌دانند.

دیدگاه‌های مفسران و روایات درباره «نور ربّ»

در تفسیر «نور ربّ» در این آیه، دیدگاه‌های متعددی از سوی مفسران و اهل بیت علیهم‌السلام ارائه شده است که هر یک جنبه‌ای از این نورانیت را تبیین می‌کنند:

نور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بی‌نیازی از نور خورشید و ماه

امام صادق علیه‌السلام در تفسیر «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» فرموده‌اند: «پروردگار زمین یعنی امام زمین». در پاسخ به این پرسش که «وقتی امام بیرون آید چه می‌شود؟»، فرمودند: «آن‌گاه مردم از تابش خورشید و نور ماه بی‌نیاز می‌شوند و به نور امام ره می‌نورند». این روایت به صراحت، «نور ربّ» را به نور وجودی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور ایشان تفسیر می‌کند (القمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۵۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۳۰).

در روایت دیگری از امام صادق علیه‌السلام نیز آمده است که وقتی قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، زمین با نور خداوند روشن گردد و مردم از نور خورشید بی‌نیاز گردند و هر مردی در ایام دولت او دارای هزار پسر خواهد شد و یک دختر در میان آنها برای او متولد نمی‌شود. این بیان نیز بر فراگیری و شدت نورانیت عصر ظهور تأکید دارد که به حدی است که نیاز به نور خورشید و ماه مرتفع می‌شود.

امام رضا علیه‌السلام نیز در توصیف قائم از اهل بیت علیهم‌السلام فرموده‌اند: هنگامی که از پشت پرده‌ی

غیبت بیرون می‌آید، زمین به نور الهی روشن می‌شود و بساط عدل و داد را در میان مردم خواهد افکند. این نورانیت، با برپایی عدل و قسط در هم تنیده شده است.

برخی مفسران متأخر نیز با اشاره به این روایات، ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را نوعی از مصادیق یا تأویل آیه دانسته‌اند که در آن دنیا به نمونه زنده‌ای از مشاهد قیامت تبدیل می‌شود و امام، زمین را از عدل و داد پر می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۵، ص. ۱۵۷).

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان نیز به نقل از قمی و مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام این روایت را ذکر کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷، ص. ۲۹۴).

نور عدل الهی

یکی از تفاسیر «بُئُرِ رَئِبَهَا» را «بَعْدِلِ رَئِبَهَا» (به واسطه عدل پروردگارش) دانسته است (ابن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص. ۶۸۷).

حسن بصری و سدی نیز معتقدند که مراد از «نور رَئِب» در این آیه، عدل خداوند است (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص. ۴۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص. ۲۵۶). طبرسی در مجمع البیان نیز این نظر را نقل کرده و توضیح می‌دهد که نورانیت زمین به عدل است، همان‌گونه که نور علم به عمل است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۸، ص. ۷۹۲).

طبری در جامع البیان نیز با اشاره به قتاده، این نور را به حدی روشن و واضح توصیف می‌کند که مردم در آن روز در نورانیت آن، همچون نور خورشید در روز صاف و بدون دود و غبار، با یکدیگر اختلاف و تضادی ندارند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۴، ص. ۲۲).

زمخشری «نور» را استعاره‌ای برای حق، قرآن و برهان دانسته و «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ» را به معنای برپایی حق و عدل و قسط در حساب و سنجش حسنات و سیئات تفسیر کرده است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص. ۱۴۵). او این نورانیت را به حدی می‌داند که مردم به پادشاه عادل می‌گویند: «آفاق با عدل تو روشن شد و دنیا با قسط تو نورانی گشت» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص. ۱۴۵).

فخر رازی در تفسیر کبیر، ضمن رد دیدگاه تجسیم خداوند به عنوان نور، بر این رأی تأکید می‌کند که نور در این جا به معنای عدل است. او دلیل این امر را ذکر «انبیاء و شهدا» و «قضاوت به حق» و نفی «ظلم» در ادامه آیه می‌داند که همه دلالت بر برقراری عدل دارند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص. ۴۷۷).

ابن عربی نیز «أَشْرَقَتْ» را اشاره به نورانیت نفس به عدل، که سایه خورشید وحدت است، می‌داند و معتقد است که زمین در زمان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه به نور عدل و حق روشن می‌شود (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۰۶).

زمخشری، بیضاوی، کاشانی، فیضی و المراغی نیز بر این دیدگاه تأکید کرده‌اند که نورانیت زمین به سبب عدل الهی است که حقایق را آشکار می‌سازد و ظلم را زائل می‌کند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۴۵؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۴۹؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج ۶، ص ۱۰۴؛ فیضی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۳۲؛ المراغی، بی تا، ج ۲۴، ص ۳۴).

نور مخلوق الهی

برخی از مفسران معتقدند که «نور ربّ» نوری است که خداوند در روز قیامت خلق می‌کند و این نور زمین را بدون نیاز به خورشید و ماه روشن می‌سازد (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۹۴؛ طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۵، ص ۳۸۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۲۵۶).

قشیری نیز اشاره می‌کند که این نور در قیامت خلق می‌شود و زمین را روشن می‌سازد، در حالی که خورشید و ستارگان تاریک شده‌اند (قشیری، ۲۰۰۰م، ج ۳، ص ۲۹۲). ابوالسعود این نور را «نور خلقت الهی» می‌داند که بدون واسطه اجسام نورانی، زمین را روشن می‌کند (ابوالسعود، ۱۹۸۳م، ج ۷، ص ۲۶۳).

تجلی الهی

برخی مفسران بر این باورند که «نور ربّ» اشاره به تجلی خداوند برای داوری و فصل قضا بین بندگان است (ابن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۶۸۷؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۹۴؛ قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۸، ص ۲۹۶؛ زحیلی، ۱۴۱۱ق، ج ۲۴، ص ۵۴؛ حوی، ۱۴۲۴ق، ج ۹، ص ۴۹۰۰).

سیدقطب نیز «نور ربّها» را نور الهی می‌داند که در صحنه قیامت، نوری غیر از آن وجود ندارد (قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۵، ص ۳۰۶۲).

عبدالرحمن سعدی نیز معتقد است که با از بین رفتن انوار موجودات، خداوند زمین را با نور خود در زمان تجلی و نزول برای داوری، روشن می‌کند (سعدی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۸۷۸).

انکشاف حقایق و بروز اعمال

علامه طباطبایی دیدگاهی جامع‌تر ارائه می‌دهد و معتقد است که «نور ربّ» به معنای

انکشاف غطاء و ظهور اشیاء به حقایق شان در روز قیامت است. در این روز، اعمال نیک و بد، طاعت و معصیت، حق و باطل برای همگان آشکار می شود و مظهر این نورانیت، خداوند متعال است (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۷، ص. ۲۹۴). وی برای تأیید این دیدگاه به آیاتی مانند «لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» (ق: ۲۲) استناد می کند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۷، ص. ۲۹۴).

این تفاسیر و روایات، همگی بر عظمت و فراگیری «نور رب» در روز موعود تأکید دارند. نورانیت عصر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نه تنها به معنای درخشش مادی زمین است که انسان ها را از نور خورشید و ماه بی نیاز می سازد، بلکه نمادی از عدل فراگیر، آشکار شدن حقایق و برچیده شدن بساط ظلم است. این نورانیت، تجلی وعده قطعی الهی برای برپایی حکومتی بر پایه قسط مطلق است که در آن هیچ ظلمی روا داشته نمی شود و همه چیز براساس حق و عدل داوری می گردد. بنابراین، آیه ۶۹ سوره زمر را می توان به عنوان یکی از مهم ترین آیات قرآن کریم در تبیین ابعاد نورانیت، عدل و قسط در عصر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و پاسخ نهایی به مسئله ظلم جهانی تلقی کرد.

نتیجه گیری

مفهوم «نور رب» در آیه ۶۹ سوره زمر، با وجود ظاهر واحد، در دو بستر زمانی و وجودی متفاوت، یعنی روز قیامت و عصر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قابل تبیین است و دلالت های عمیقی بر تحقق عدالت فراگیر دارد. این پژوهش با تحلیل تطبیقی دیدگاه های مفسران و روایات اهل بیت علیهم السلام نشان داد که پیوند اصلی این دو بستر، در محوریت «عدل الهی» قرار دارد که به شیوه های متفاوتی نمود می یابد.

در بُعد مربوط به قیامت، «نور رب» به معنای روشن شدن زمین به هنگام حضور خداوند برای قضاوت و داوری میان خلائق است. این روشنایی، جلوه ای از عدل مطلق الهی است که در آن روز، حقیقت امور آشکار شده و هیچ ظلمی بر کسی وارد نخواهد شد. این نور، نمادی از آشکار شدن حق و برطرف شدن هرگونه پرده پوشی و غفلت است، چنان که پرده ها برداشته می شود و اشیاء با حقایق خود آشکار می گردند و اعمال خیر و شر برای همگان نمایان می شود. حضور پیامبران و شهداء (ائمہ اطهار علیهم السلام) نیز در این فرآیند داوری و اجرای عدالت محوری است.

اما در بُعد مربوط به عصر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مفهوم «نور ربّ» علاوه بر تجلی عدل، دلالت بر هدایت و روشنایی معنوی و حتی فیزیکی زمین دارد. روایات اهل بیت علیهم السلام، «ربّ الارض» را به «امام الارض» یعنی وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر کرده‌اند. با ظهور ایشان، زمین چنان روشن می‌شود که مردم از نور خورشید و ماه بی‌نیاز می‌گردند و به نور امام اکتفا می‌کنند. این بی‌نیازی می‌تواند هم اشاره به غنای معنوی و هدایتی بی‌حد و حصر باشد و هم بیانگر تغییرات فیزیکی در سیستم نوری زمین باشد که سبب روشنایی مداوم و عدم نیاز به منابع نوری معمول می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام رضا علیه السلام نیز بر این موضوع تأکید کرده‌اند که با خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، زمین از نور خداوند روشن می‌گردد و بساط عدل و داد در میان مردم گسترده می‌شود. این نورانیت، تجلی‌گاه عدالت فراگیر و نفی کامل ظلم است، به طوری که ظلم و ستم از بین رفته و سراسر زمین از قسط و داد پر می‌گردد.

نوآوری پژوهش حاضر در تحلیل تطبیقی و مسئله‌محور این دو بستر (قیامت و ظهور) است. این مقاله با ارائه چارچوبی منسجم، نشان داد که چگونه مفهوم «نور ربّ» در هر دو فضا دارای دلالت‌های عمیقی بر تحقق عدالت الهی است و چگونه روایات اهل بیت علیهم السلام با رویکرد «جری و تطبیق»، این مفهوم را به صورت پویا و فعال در عصر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بازنمایی کرده‌اند. این رویکرد به ویژه در بحث از «عدالت فراگیر» که از مهم‌ترین اهداف ظهور است، اهمیت می‌یابد و به درک عمیق‌تر از پیوند مباحث قرآنی و مهدوی منجر می‌شود. در نهایت، «نور ربّ» در هر دو زمان، نمادی از عدل مطلق الهی است که به اشکال گوناگون، از جمله حسابرسی دقیق و برپایی حکومت عادلانه، تجلی می‌یابد و پاسخ نهایی به مسئله ظلم در تاریخ بشر و تحقق وعده قطعی الهی برای برپایی حکومتی بر پایه حق و عدل است.

منابع

قرآن کریم

- ابن عربی، محمد بن علی. (۱۴۲۲ق). *تفسیر ابن عربی (تأویلات عبد الرزاق)*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰ق). *تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*. بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
- ابوالسعود، محمد بن محمد. (۱۹۸۳م). *ارشاد العقل السلیم الی مزیای القرآن الکریم*. بیروت:

- دار إحياء التراث العربی.
- آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- برازش، علیرضا. (۱۳۹۴). *تفسیر اهل بیت علیهم السلام*. تهران: امیرکبیر.
- بغوی، حسین بن مسعود. (بی تا). *معالم التنزیل*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- بقاعی، ابراهیم بن عمر. (۱۴۲۷ق). *نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- حموش، مکی بن ابی طالب. (۱۴۲۹ق). *الهدایة إلى بلوغ النهایة*. شارجه: جامعة الشارقة.
- ابن سلیمان، مقاتل (۱۴۲۳ق). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). *أنوار التنزیل وأسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- تستری، سهل بن عبدالله. (۱۴۲۳ق). *تفسیر التستری*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ثعلبی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲ق). *الکشف والبیان المعروف تفسیر الثعلبی*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی. (بی تا). *تفسیر روح البیان*. بیروت: دارالفکر.
- حوی، سعید. (۱۴۲۴ق). *الاساس فی التفسیر*. قاهره: دارالسلام.
- خطیب، عبدالکریم. (۱۴۲۴ق). *التفسیر القرآنی للقرآن*. بیروت: دارالفکر العربی.
- زجاج، ابراهیم بن سری. (۱۴۰۸ق). *معانی القرآن وإعرابه*. (عبد الجلیل عبده شلبی، محقق). بیروت: عالم الکتب.
- زحیلی، وهبه. (۱۴۱۱ق). *التفسیر المنیر فی العقیدة والشریعة والمنهج*. دمشق: دارالفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل وعیون الأقاویل فی وجوه التأویل*. بیروت: دارالکتب العربی.
- سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۳۹۵). *منیة الطالبین فی تفسیر القرآن المبین*. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سبزواری، محمد. (۱۴۰۶ق). *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

- سعدی، عبدالرحمن. (۱۴۰۸ق). تیسیر الکرم الرحمن فی تفسیر کلام المنان. بیروت: مكتبة النهضة العربية.
- سمرقندی، نصر بن محمد. (۱۴۱۶ق). تفسیر السمرقندی المسمى بحر العلوم. بیروت: دارالفکر.
- قطب، سید. (۱۴۲۵ق). فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشروق.
- شبر، سید عبدالله. (۱۴۰۷ق). الجوهر الثمین فی تفسیر کتاب المبین. کویت: شرکت مكتبة الالفین.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۰۶ق). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة و قم: فرهنگ اسلامی.
- طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرانی، سلیمان بن احمد. (۲۰۰۸م). التفسیر الكبير: تفسیر القرآن العظيم (الطبرانی). اربد: دارالکتاب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۷ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری). بیروت: دارالمعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). التفسیر الكبير (مفاتیح الغیب). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فضل الله، محمد حسین. (۱۴۱۹ق). من وحی القرآن. بیروت: دارالملاک.
- فیضی، ابوالفیض بن مبارک. (۱۴۱۷ق). سواطع الالهام فی تفسیر کلام الملك العلام. قم: دارالمنار.
- قاسمی، جمال الدین. (۱۴۱۸ق). تفسیر القاسمی المسمى محاسن التأویل. بیروت: دارالکتب العلمیة.

- قشیری، عبدالکریم بن ہوازن. (۲۰۰۰م). لطائف الاشارات: تفسیر صوفی کامل للقرآن
الکریم. قاہرہ: الہیئۃ المصریۃ العامۃ للکتاب.
- قمی، علی بن ابراہیم. (۱۳۶۳). تفسیر القمی. قم: دارالکتاب.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعہ لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت:
مؤسسۃ الوفاء، دار احیاء التراث العربی.
- مدرسی، محمدتقی. (۱۴۱۹ق). من ہدی القرآن. تہران: دارمحبی الحسین.
- مراغی، احمد مصطفی. (بی تا). تفسیر المراغی. بیروت: دارالفکر.
- مغنیہ، محمدجواد. (۱۴۲۴ق). التفسیر الکاشف. قم: دارالکتاب الإسلامی.
- مغنیہ، محمدجواد. (۱۴۲۵ق). التفسیر المبین. قم: دارالکتاب الإسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۱ق). الأمثل فی تفسیر کتاب اللہ المنزل. قم: مدرسۃ الإمام علی
بن أبی طالب علیہ السلام.
- میدانی، عبدالرحمن حسن حبثک. (۱۳۶۱). معارج التفکر و دقائق التدبیر. دمشق:
دارالقلم.